



برداشت‌هایی از فلسفه تاریخ شیعی؛ سیاست مهدوی، فرجام شایسته‌سالارانه جهان

گرچه مهدویت مفهومی دینی است و در فلسفه تاریخ شیعی بیان می‌شود، اما می‌توان از آن برداشت‌هایی انسانی به عمل آورد؛ برداشت‌هایی که نشان‌دهنده تطابق آرمان‌های انسانی با این ایده ناب است.

گرچه مهدویت مفهومی دینی است و در فلسفه تاریخ شیعی بیان می‌شود، اما می‌توان از آن برداشت‌هایی انسانی به عمل آورد؛ برداشت‌هایی که نشان‌دهنده تطابق آرمان‌های انسانی با این ایده ناب است.

غایت دکترین مهدویت، غایتی انسانی است. این مساله به غایت انسانی دین باز می‌گردد. دین با شناختی که از انسان دارد غایتی منجر به حقیقت از حیات پیش روی او قرار می‌دهد. ظهور موعود اگر چه از طریق مذهب شیعه وعده داده شده است اما این ظهور تنها برای انسانهای شیعه نیست و کل انسانیت را در نظر دارد. از این رو می‌توان آرمان‌هایی انسانی را برای قیام حضرت مهدی (عج) لحاظ کرد.

مهدویت و تغییر

غایاتی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را می‌توان در نهایت تاریخ بر ظهور مترتب دانست. مهدویت از آنجا که غایت تاریخ است به دنبال تغییر است و اعتقاد به منجی نوعی پیام و رویکرد در عرصه عمومی است. از این رو آرمان شیعیان نوعی آرمان تحول‌خواه است. شیعه مانند امامان خود در مقابل وضع موجود می‌ایستد.

تغییر در باور شیعه با انتظاری سازنده رقم خواهد خورد. شیعیان خود را آماده کرده اند تا در کنار امامی بجنگند که برای حل مشکلاتشان قیام کرده است. منجی نه تنها شیعه، بلکه انسان را نجات خواهد داد. آخر الزمان در نفس خود تداوم وضع موجود است؛ وضعی که امروز تباهی را می‌توان در آن احساس کرد.

پایان برای تاریخ شیعه سرشار از عدالت است و عدالت با حضور امام برقرار خواهد شد. شیعیان همواره از نبود عدالت و جور در حکام زمان ناراضی بودند. نارضایتی شیعیان آنها را به طغیان و مبارزه می‌کشاند. نگاهی به مفهوم عدالت و انسان نشان می‌دهد که منجی شیعه می‌تواند جایگاهی فراتر از مکتب شیعه نیز داشته باشد.

تاریخ توسط انسان ساخته می‌شود، اما این انسان است که با ایده‌هایی که دارد، آینده‌ای ویژه را برای خویش محقق می‌کند. تاریخ از دید مهدویت باید به سوی عدالت، اخلاق و حقیقت باشد، از این رو شیعیان که چنان آینده عادلانه‌ای را می‌طلبند، باید امروز نیز در همین راستا حرکت کنند. شیعه باید سازنده چنان فرجامی باشد تا شاید بتواند به سربازی واقعی برای امام قائم(عج) بدل شود.

سیاست مهدوی، سیاست اخلاقی

مهدویت نماینده سیاست اخلاقی است. تمایل به اخلاقی بودن عرصه سیاست، اما تنها تمایلی شیعی یا دینی نیست که هر انسانی در بطن خود تمایل به چنین وضعی دارد. منطق بازی سیاست در واقعیت، اما رسیدن به قدرت بیشتر است، قدرتی که در آن انسان می‌تواند خود را بیشتر طرح کند، به ثروت بیشتری برسد و رقیب کمتری داشته باشد. در این وضع منطق حاکم «هدف وسیله را توجیه می‌کند» است، هر چند همگان آن را آشکارا نفی کنند.

به اعتقاد شیعه، امامان شیعه نور واحدند و تاریخ حکومت امام علی(ع) نشان می‌دهد که امام زمان(عج) تجلی چنین سیاستی خواهد بود. بارها حضرت علی(ع) را مقتول عدلش خوانده اند. برخی از یارانش اعتقاد داشتند امام باید از خدعه و نیرنگ در سیاست استفاده کند، برخی را بنوازد و برای خویش یار و نیرو دست و پا و از بیان دین برای تخریب دشمن استفاده کند، اما امام چنین نکرد. امام به تلاش و حقیقت معتقد بود و به شفافیت عمل می‌کرد، حالا جانشین آن امام که در عمل همان سیره را در ایش می‌گیرد، چنان سیاستی را در پیش خواهد گرفت. عمل امام قائم(عج)، در مقابل منطق رایج سیاست است. امام برای اخلاق می‌ستیزد و نه برای خود.

فرجام شایسته‌سالارانه

از سوی دیگر اعتقاد به منجی در میان شیعیان اعتقاد به حکومت شایستگان است. بسیاری از فیلسوفان همواره دغدغه داشته اند تا حاکم شایسته باشد. خصوصیات دیگری چون از اهل بیت(ع) بودن، علم و شجاعت و... را نیز می‌توان اضافه کرد، اما در یک کلام همه این صفات را می‌توان تحت عنوان شایستگی جمع بندی کرد. شیعیان براحتی تن به اطاعت از حاکم نمی‌دهند، حاکم باید شایسته باشد همان گونه که امامان شایسته اند و این شایستگی امروزه از طریق فقهای جلیل القدر شیعه مشخص می‌شود. ساز و کاری که در قانون اساسی مشخص شده برای انتخاب چنین شایسته‌ای است، اما به هر حال تمایل به حاکمی شایسته روح تلاشی است که ظهور، فرجام آن است.

امام قائم(عج) و ظهور حقیقت

نمود دیگر موعود تمایل به حقیقت در انسان است. در میان اخباری که از زمان ظهور نقل شده می‌شنویم در آن زمان مدعیان دین، امام زمان(عج) را بدعت گزار خواهند خواند. این تمایل به حقیقت است که نشان می‌دهد شیعه وضع موجود و مبلغان رسمی دینی را لزوماً بیان کننده دین حقیقی نمی‌داند. به نظر شیعیان اعتقاد اکثریت موجب حقانیت نخواهد بود. شیعیان در عمق جان خویش به اموری فراتر از نظم واقع باور دارند. تمایل انسان به حقیقت او را وامی‌دارد که حقیقت را فقط از مجاری

رسمی طلب نکند. دانش به عنوان مجاری کشف حقیقت در بخش هایی از تاریخ ابزاری بوده برای توجیه اقتدار. نگاهی به عملکرد افرادی مانند غزالی که از بزرگان علم و دین بوده اند نشان می دهد برخی از دانشمندان دینی تاریخ در توجیه وضع موجود و استبداد کوشیده اند و امام مهدی(عج) خارق چنین عادت می دهد به مراجع رسمی حقیقت دینی است. چنین موعودی موعود حقیقت است؛ یعنی ظهور آن که مجرای اصیل خواهد بود برای بیان حقیقت.

آخر الزمان، پایان ستم، سرآغاز عدالت

از سوی دیگر، عدالت اقتصادی است که با آمدن حضرت قائم تحقق خواهد یافت، در روایتی از پیامبر گرامی اسلام می خوانیم که اگر یک روز از آخر جهان باقی مانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می کند تا موعود ظهور کند و زمین را که از ظلم و ستم لبریز شده، از عدل و قسط آکنده کند. تمایل به برابری و عدالت اقتصادی می تواند در اعتقاد به امام زمان تجلی یابد. بارها شنیده ایم که ظهور امام زمان (عج) عامل حکومت مستضعفان خواهد بود. آنچه امام می آورد، همان چیزی است که بسیاری از مکاتب انسانی خواسته اند تحقق اش بخشند.

در نقل دیگری از رسول اکرم(ص) که از سوی ابوسعید خدری آمده می خوانیم که ایشان به مهدی بشارت داده اند که به هنگام اختلاف مردمان، از میان امت شان ظهور خواهند کرد و ساکنان آسمان ها و زمین را خشنود خواهند ساخت و موعود، ثروت را بدرستی تقسیم خواهد کرد.

یکی از ابعاد آرمان آخرالزمان شیعه عدالت و قسط اقتصادی است. در نظر شیعه آینده تاریخ روشن است، اما این روشنایی اقتصادی دغدغه ای است که همه انسان ها را دربر می گیرد. معلم شهید مرتضی مطهری در همین زمینه اعتقاد داشتند: «عدالت، فلسفه بزرگ مهدویت است. امام زمان به بشریت، مفهوم عدالت واقعی را نشان خواهد داد، دولت آن حضرت مقرون به عدل و عقل و وحدت عمومی است، اصلا ما حضرت مهدی را به قیام و عدالت می شناسیم. هر امامی به یک صفت شناخته می شود، این امام هم به قیام و عدالت. اسلام عاقبت بشر را عدالت می داند و وعده داده است، حکومت واحد جهانی، سراسر عدالت و ترقی خواهد بود.»

مهدویت ، محرک تاریخ

فعالیت در مسیر عدالت و انسانیت بی تردید حرکت در مسیری است که مهدویت تحقق آن خواهد بود. حضرت قائم زمانی ظهور خواهد کرد که یارانش زمینه ظهور را فراهم کنند. باری آرمان مهدویت فراتر از معتقدان به خویش آرمانی انسانی است، آرمانی که در سیاست و اجتماع نظر به فردایی بهتر دارد. در عرصه دین حقایق ناب تحریف نشده را باز خواهد آورد و در عرصه سیاست دست دولت را در دست اخلاق و شایستگان خواهد گذاشت.